

نشریه مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۴

ارزیابی و تحلیل نقش شهرداری در توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین شهر (مطالعه موردی: شهر گرگان)*

دکتر خدارحم بزی**

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان

حسین موسی‌زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان

مهدی خداداد

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان

چکیده

رشد سریع شهرنشینی در کشورهای جهان سوم، باعث افزایش فقر شهری شده و این پدیده در حال رشد، مشکلات فراوانی را برای این کشورها به وجود آورده است؛ بدین گونه که شهرها، به واسطه برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های رفاهی - خدماتی، جمعیت بیکار ساکن نواحی روستایی را به سوی خود جذب کرده و از آنجایی که این افراد، فاقد مهارت در شغلی خاص هستند؛ جذب اشتغال کاذب شده و به علت درآمد پایین در اطراف شهرها اسکان می‌یابند؛ در واقع، جزیره‌ای ثروتمند و محصور در کمربندی سیاه از محرومیت و بدبختی‌ها به نام حاشیه‌نشینی را ایجاد می‌کنند. هدف از پژوهش حاضر، تبیین نقش شهرداری‌ها در توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهر گرگان است که بدین منظور از روش توصیفی - تحلیلی و پیمایش میدانی استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، ساکنان مناطق اسلام آباد، قلعه حسن، کوی افسران و حد فاصل اوزینه و کاشانی است که با استفاده از روش کوکران، تعداد ۲۷۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج به دست آمده از آزمون کای اسکوتر، نشان دهنده دسترسی بسیار کم حاشیه‌نشینان به خدمات و زیرساخت‌های شهری است همچنین، نتایج به دست آمده از ضریب رگرسیون، نشان دهنده رابطه بسیار زیاد بین اشتغال و وضعیت اقتصادی خانواده با ضریب Beta معادل ۰/۳۰۷ با حاشیه‌نشینی در شهر گرگان است. در نهایت، راهکارهایی به منظور توانمندسازی حاشیه‌نشینان گرگان ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه کالبدی، توسعه شهری، گردشگری شهری، شهر کرمانشاه

* دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۶/۱۷

kh.bazi@yahoo.com

** نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول:

۱- مقدمه

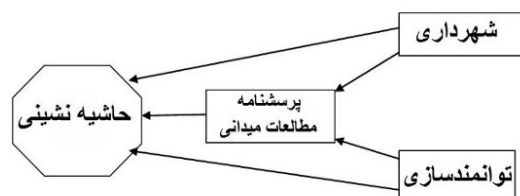
رشد بی‌رویه شهرها در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، محصول سه عامل اساسی نرخ بالای زاد و ولد شهری، مهاجرت شتابان و تبدیل مناطق روستایی به شهر است. در این فرایند، مهاجرت از نوع بی‌رویه و شتابان، نقش محوری دارد (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۴)؛ بدین‌گونه که شهرها به دلیل برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های رفاهی - خدماتی، گوی سبقت را ربوده و هر روز بر تعداد شهرها و ساکنان آنها افزوده می‌شود؛ به همین دلیل، روند مهاجرت به شهرها سرعت چشمگیری یافته و روستاها را به نابودی می‌کشاند (رهنما، ۱۳۸۷: ۸۵).

از طرفی یکی از پدیده‌های اساسی اجتماعی و فرهنگی در قرن بیستم، گسترش پدیده شهرنشینی بوده است که در جهان سوم به صورت شتابان بروز کرده است؛ به گونه‌ای که سرعت شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، بیش از کشورهای توسعه یافته است (هال و فایز، ۱۳۸۸: ۱۳)؛ در واقع، اقشار کم درآمد ساکن و شاغل در فعالیت‌های تولیدی سنتی، به دلیل در حاشیه واقع شدن در بخش حاشیه‌نشین شهر و به منظور رهایی از فقر و بهره‌گیری از خدمات و امکانات، راهی شهرها می‌گردند و از اینجاست که شهر در حال توسعه، فرهنگ دوگانه‌ای می‌یابد؛ جزیره‌ای ثروتمند و محصور در کمربندی سیاه از محرومیت و بدبختی‌ها (ربانی، ۱۳۸۵: ۹۰) که یکی از پیامدهای چنین رشد شهری، پیدایش زاغه‌ها و ناکجاآبادهای بسیاری در حاشیه اغلب شهرها؛ به خصوص پایتخت‌ها و مراکز استان‌ها است (نقدی، ۱۳۹۱: ۶۶)؛ اما باید اذعان نمود که حاشیه‌نشینی فقط محصول مهاجرت روستا - شهری نیست؛ بلکه تحت تأثیر پارامترهایی چون فقر اقتصادی، نوع شغل، تعارض فرهنگی، بی‌سوادی، هویت قومی، فرهنگی و فقدان کنترل است که عوارضش در قالب برخی از پیامدهای حاد مسائل شهری تجلی می‌یابد (دویر^۱، ۱۹۷۸: ۹).

با مطالعات انجام شده در زمینه حاشیه‌نشینی در مناطق مختلف حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ ایران، مهم‌ترین ویژگی‌های آن، ازدحام بیش از حد جمعیت، ساخت و ساز نامناسب، فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بیکاری، اشتغال کاذب، عدم رعایت

بهداشت جمعی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی و آموزشی، افزایش جرم و جنایت و فساد است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۴). بر اساس آمارهای اسکان بشر سازمان ملل متحد، حدود یک میلیارد از ساکنان شهری در زاغه‌ها و حاشیه شهر زندگی می‌کنند (مارتینز و همکاران، ۲۰۰۸؛ هیت، ۲۰۰۹). البته سرعت این تحولات جمعیتی که پیامد آن گسترش حاشیه‌نشینی است، در کشورهای کمتر توسعه یافته، بسیار شتابان است؛ چراکه رشد شهری در کشورهای در حال توسعه با افزایش تعداد سکنة ساکن در نقاط که فاقد شرایط استاندارد بوده و در حاشیه‌ها زندگی می‌کنند؛ همراه بوده است (چودهوری و همکاران، ۲۰۰۶).

برخی، حاشیه‌نشینی را پدیده‌ای می‌دانند که در پی وجود یک اقتصاد ناسالم و بیمار (در کنار سایر عوامل) بر مشکلات شهری افزوده است و مشخصه بارز حاشیه‌نشینی، فقر است (افشارنیا، ۱۳۸۹: ۲۶۵). حاشیه‌نشینی را با این خصوصیات تعریف می‌کنند که ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرصه خدمات درمانی، تراکم و ازدیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوارض طبیعی، نظیر سیل دیده می‌شود، می‌تواند به صورت زاغه و یا منطقه زاغه‌نشینی معرفی گردد (شکوهی، ۱۳۸۴: ۴۱). حاشیه‌نشینان به‌طور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می‌دهند (بیات، ۱۳۸۴: ۱۶۱). روش‌های مختلفی از سوی دستگاه‌های دولتی، برای رفع مشکل حاشیه‌نشینان تا به امروز ارائه شده است که در این بین، توانمند ساختن آنان می‌تواند مهم‌ترین راهبرد در این زمینه باشد که در این بین، شهرداری‌ها به منزله یک نهاد اجتماعی می‌توانند مهم‌ترین ارگان در زمینه توانمندسازی این گروه از شهرنشینان باشند؛ بدین منظور، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش شهرداری‌ها در توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهر گرگان با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و پیمایش میدانی انجام گرفته است. در زیر، مدل تحلیلی پژوهش با توجه به مؤلفه و متغیرهای پژوهش برای رسیدن به اهداف پژوهش آورده شده است.



شکل ۱- مدل تحلیلی تحقیق

رشد سریع شهرنشینی در کشورهای جهان سوم، باعث افزایش فقر شهری شده و این پدیده در حال رشد، مشکلات فراوانی را برای این کشورها به وجود آورده است؛ به طوری که یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی این کشورها، حاشیه‌نشینی و روند رو به گسترش آن است (هادیزاده، ۱۳۸۲: ۱۲)؛ در واقع، گسترش فیزیکی نابسامان و بی‌رویه شهرها، یکی از مشکلات شهر و شهرنشینی جهان سوم در دوران معاصر است به طوری که فرایندی مداوم، در محدوده‌های فیزیکی و فضاهای کالبدی شهر در جهات عمودی و افقی به لحاظ کمی و کیفی رشد می‌یابد و اگر این روند سریع و بی‌برنامه باشد؛ به ترکیبی نامتناسب از فضاهای شهری مشکل‌زا خواهد انجامید (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۱). این گونه فضاهای نامتناسب، خود را به صورت کمربندی از فقر و بدبختی، به نام حاشیه‌نشینی نمایان می‌سازد که دارای وضعیت نامطلوب و کیفیت پایین محیط زندگی از نظر تأسیسات و تجهیزات بهداشتی و خدماتی هستند. مناطق مسکونی آنها اغلب در کنار مسیل‌ها، اطراف راه‌آهن، در نزدیکی جایگاه‌های تخلیه و انباشت زباله و یا در حاشیه شهرهاست و فاقد کمترین تأسیسات رفاهی است (لادن، ۱۳۸۸: ۶۸). خانه‌ها فاقد سیستم فاضلاب بوده و پایین‌بودن سطح فرهنگ و سواد، امکان استفاده از روش‌های صحیح بهداشتی را به آنان نمی‌دهد؛ به همین دلیل، با مریضی و مرگ و میر بالای کودکانشان نیز روبه‌رو هستند (وینر، ۲۰۰۲: ۷) در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، کنجروی‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن گسترش می‌یابد (ستوده، ۱۳۷۶: ۷۷).



شکل ۲- الگوی نظری جهت تبیین حاشیه‌نشینی (مأخذ: محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۹)

مهم‌ترین راهبرد در برخورد با مسأله حاشیه‌نشینی، راهبرد توانمندسازی جامعه محلی و مشارکت آنان، مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و تسریع و میانجی‌گری سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال و مستقیم بهره‌برداران مورد نظر است (صرافی، ۱۳۸۱: ۹). در سال‌های پایانی ۱۹۸۰، سیاست توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین، به لزوم ایجاد تعامل بین بخش عمومی و خصوصی و نه تکیه یک جانبه بر یکی از آنها شکل گرفت. این سیاست، جمع‌بندی تجاربی بود که در مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد و برنامه توسعه سازمان ملل متحد، تکوین یافته و بانک جهانی نیز با آن هم‌داستان گشته است (مهدوی و نجفی، ۱۳۹۰: ۷).

سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف شهری، در زمینه توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهری مؤثر هستند که یکی از مهم‌ترین این سازمان‌ها، شهرداری‌ها است؛ در واقع، شهرداری‌ها

با ایجاد حس مشارکت، عدم احساس تبعیض با سایر اقشار شهری و ایجاد روحیه شهروندی و از طرق مختلف، نظیر آموزش شهروندی و شهروندمداری، باعث شکل‌گیری زمینه‌های توانمندی در حاشیه‌نشینان شهری شده و آن‌ها را از تضاد عینی و ذهنی و حس رانده‌شدگی از شهر خارج می‌سازد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۲۱).

مطالعات و پژوهش‌های زیادی در زمینه حاشیه‌نشینی، علل و عوامل و راهکارهای آن در داخل و خارج از کشور انجام شده است؛ اما مطالعه‌ای که اختصاص به توانمندسازی حاشیه‌نشینان و به‌ویژه نقش شهرداری در این توانمندسازی داشته باشد، کمتر انجام شده است. در ادامه به ذکر چند مورد از این مطالعات مشابه با موضوع مورد مطالعه پرداخته می‌شود.

ویلسون (۲۰۱۰)، در مطالعات خود در نواحی مرکزی شهرهای آمریکا بیان می‌کند که فقدان تولیدات دستی و اشتغال‌هایی با مهارت پایین و همچنین مهاجرت‌های پشت سر هم کارگران و خانوارهای طبقه متوسط که از نظر اقتصادی دسترسی کمتری به فرصت‌های اقتصادی دارند، مناطق حاشیه‌نشین را به وجود می‌آورد؛ به طوری که دقیقاً به صورت مرکز نامتناسب و به هم‌ریخته‌ای از برش‌های معیوب جمعیت شهری نمایان می‌شوند.

شاو (۲۰۱۲)، جرائم شهری را تحت تأثیر فضای مناطق خاص شهری می‌داند. وی با اخذ آمار و اطلاعات مناطق خاص شهر از دادگاه و پلیس به مناطقی رسید که ویژگی‌های حاشیه‌نشینی داشتند و به گتو معروف‌اند (شاو و مک‌کی، ۲۰۱۲).

از مطالعات دیگری که در خارج از کشور انجام گرفته است، می‌توان به مطالعات الیاس (۱۹۶۶)، کلینارد (۱۹۶۶) و به‌طور غیرمستقیم، تولی (۱۹۸۹)، پل نوکس و نظایر آنها اشاره نمود. این مطالعات در سطح محدودتری و اغلب در قالب مطالعات مربوط به رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه، از نیمه دوم قرن بیستم در سطح جهانی و منطقه‌ای (United Nations, 2000) و ملی ادامه پیدا کرد. نتیجه عملی تمام این مطالعات، تدوین استراتژی‌ها و راهبردهای گوناگونی بود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به

رویکرد شهرهای کوچک به وسیلهٔ ماتور (۱۹۸۲) و راهبرد روستا-شهرها توسط فریدمن اشاره نمود.

زکی خانی (۱۳۹۲)، در بررسی خود با عنوان پیامدهای توسعه نامتوازن: مطالعهٔ موردی حاشیه‌نشینی در خط چهارم حصار شهر کرج، نشان داد که افراد در محل قبلی (قبل از آمدن به این حاشیه‌نشینی) از خدمات رفاهی آموزشی، خدمات رفاهی درمانی و درآمد مالی به اندازه لازم بهره‌مند نبودند و به مراکز توزیع کالا و خدمات و بازار کار دسترسی نداشتند. در مقابل، در محل فعلی (حاشیه‌نشینی خط چهارم حصار کرج)، از خدمات رفاهی آموزشی، خدمات رفاهی درمانی و درآمد مالی به اندازه لازم برخوردارند و به مراکز توزیع کالا و خدمات و بازار کار دسترسی دارند.

اسماعیلی و امیدی (۱۳۹۱)، در پژوهش خود با عنوان بررسی تجربهٔ حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه‌نشینان: یک مطالعه پدیدار شناسانه، با بررسی حاشیه‌نشینی به این نتیجه رسیده‌اند که حل معضل حاشیه‌نشینی، نیازمند از میان رفتن مشکلات ساختاری دیگری است که ریشه‌ای معضل بوده و در واقع مسأله‌ای خود برآمده است.

عناستانی و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی تحت عنوان راهبردهای کالبدی کنترل حاشیه‌نشینی در شهر سبزوار، به این نتیجه دست یافتند که راهبردهایی، مانند طرح اسکان مجدد و جابه‌جایی ناخواسته، طرح سامان‌دهی شبکهٔ ارتباطی پیرامون شهر، طرح کمربند سبز پیرامون شهر، طرح ایجاد بانک زمین و شناسایی املاک رها شده، باعث جلوگیری از بورس‌بازی املاک و توسعهٔ حاشیه‌نشینی خواهد شد.

محسنی (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان مسئلهٔ حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با تأکید بر توانمندسازی (مطالعهٔ موردی: حاشیه‌نشینی شهر گرگان) به این نتیجه رسیده است که بهسازی و نوسازی بافت‌های روستایی، برنامه‌ریزی جمعیت و مهاجرت، توسعهٔ مسکن روستایی، بهسازی و ارتقای محلات و مناطق حاشیه‌نشین، نوسازی بافت‌های سکونت‌گاه‌های غیررسمی و احداث شهرک‌های جدید برای سامان‌دهی مجدد، از جمله برنامه‌های راهبردی در بخش توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین است.

۲- داده‌ها و روش‌شناسی

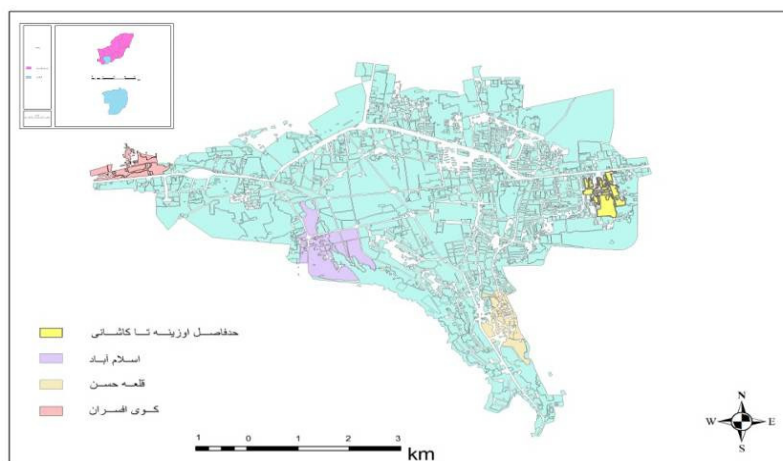
پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، از نوع توصیفی-تحلیلی و به لحاظ اجراء، از نوع پیمایشی و به لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها، از نوع میدانی است. در آغاز، مطالعات سازمان‌یافته‌ای به منظور تهیه ادبیات و مبانی تئوریک به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است و در مرحله مطالعه میدانی، با استفاده از ابزارهای مورد نیاز تحقیق (پرسشنامه محقق ساخته) به جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پرداخته شده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، ساکنان مناطق اسلام آباد، قلعه حسن، کوی افسران و حد فاصل اوزینه و کاشانی است که دارای ۱۷۶۸۸ نفر جمعیت است که با استفاده از روش کوکران تعداد ۲۷۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

$$n = \frac{N(t, s)^2}{Nd + (t, s)^2} \quad \text{رابطه (۱)}$$

در این رابطه، N حجم جامعه؛ S واریانس بعد خانوار؛ d دقت احتمالی مطلوب؛ t برابر با $1/69$ و n حجم نمونه است که از رابطه (۲) به دست می‌آید.

$$n = \frac{17688(1.69 * 14)^2}{17688(2)^2 + (1.69 * 14)^2} = 276 \quad \text{رابطه (۲)}$$

شهر گرگان در بخش جنوبی استان گلستان واقع شده است و در طول جغرافیایی ۵۴ درجه و ۲۵ دقیقه و در عرض ۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه واقع شده است. گرگان، آب و هوای معتدلی دارد که بنابر سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۳۲۹۵۳۶ نفر جمعیت بوده است. این شهر دارای دو منطقه شهرداری است. وسعت شهرستان گرگان، ۱۶۱۵/۸ کیلومتر مربع است و بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۹، از دو بخش مرکزی و بهاران و سه شهر گرگان، سرخنگلاته و جلین، پنج دهستان و ۹۷ روستا تشکیل شده است. همچنین، شهر گرگان چهار منطقه حاشیه‌نشین دارد که عبارت‌اند از اسلام‌آباد (با ۲۴۶۸ خانوار)، قلعه حسن (با ۷۸۴ خانوار)، کوی افسران (با ۴۱۷ خانوار) و حدفاصل اوزینه تا کاشانی (با ۷۵۳ خانوار).



شکل ۳- معرفی محدوده مورد مطالعه

جدول ۱- مشخصات مناطق حاشیه‌نشین شهر گرگان

نام منطقه	تعداد خانوار	نام منطقه	تعداد خانوار
اسلام‌آباد	۲۴۶۸	کوی افسران	۴۱۷
قلعه حسن	۷۸۴	حد فاصل اوزینه تا کاشانی	۷۵۳

(مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴)

۳- بحث

در بخش یافته‌های تحقیق، ابتدا به ارائه یافته‌های توصیفی پژوهش پرداخته می‌شود. اطلاعات مندرج در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که از ۲۷۶ نفر نمونه مورد مطالعه، تعداد ۲۰۰ نفر مرد و ۷۶ نفر زن هستند. همچنین، تعداد ۲۲۲ نفر متأهل و تعداد ۵۴ نفر نیز مجرد هستند. در نهایت ۱۴۴ نفر شاغل و تعداد ۱۳۲ نفر نیز بیکار می‌باشند. از ضریب همبستگی رگرسیون چندمتغیره، برای بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی استفاده شده است. نتایج به دست آمده، نشان دهنده ارتباط بسیار زیاد بین مؤلفه وضعیت اشتغال (شاغل یا بیکار بودن) و حاشیه‌نشینی در محدوده مورد مطالعه است؛ به‌گونه‌ای که معناداری در سطح ۹۹ درصد حاصل شده است؛ در صورتی که در رابطه

با مؤلفه بعد خانوار (تعداد فرزند در خانواده) و حاشیه‌نشینی، عدم معناداری حاصل شده است؛ در واقع، مؤلفه‌های اخیر نتوانسته‌اند تأثیر بسیار زیادی بر حاشیه‌نشینی بگذارند. ضرایب Beta به دست آمده، نشان دهنده تأثیرگذاری بسیار زیاد مؤلفه وضعیت اقتصادی خانواده است؛ به گونه‌ای که ضریب Beta، معادل ۰/۲۹۲ است و همچنین، مؤلفه وضعیت اشتغال با ضریب Beta معادل ۰/۳۰۷ خود گویای این مطلب است که دو مؤلفه فوق، رابطه بسیار زیادی با حاشیه‌نشینی دارند.

جدول ۲- بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی با استفاده از ضریب همبستگی رگرسیون

مؤلفه	B	انحراف معیار std	ضریب Beta	t	ضریب معناداری sig
بعد خانوار (تعداد فرزند)	-۰/۰۷۶	۰/۰۷۵	-۰/۰۷۶	-۱/۰۰۵	NS ۰/۳۱۷
وضعیت اقتصادی خانواده	۰/۳۰۰	۰/۰۸۱	۰/۲۹۲	۳/۶۹۲	** ۰/۰۰۰
میزان تحصیلات	۰/۱۲۰	۰/۰۷۵	۰/۱۲۲	۱/۶۰۸	NS ۰/۱۱۰
وضعیت اشتغال	۰/۳۰۸	۰/۰۸۰	۰/۳۰۷	۳/۸۵۴	** ۰/۰۰۰

** معناداری ۹۹ درصد * معناداری ۹۵ درصد NS عدم معناداری

در ادامه از آزمون کای اسکور، برای بررسی میزان دسترسی حاشیه‌نشینان به خدمات و زیرساخت‌های شهری استفاده شده است. اطلاعات مندرج در جدول شماره ۵، نشان دهنده رابطه معنادار در سطح ۹۹ درصد برای تمام مؤلفه‌هاست که فراوانی‌های به دست آمده، نشان‌دهنده دسترسی بسیار کم ساکنان محدوده مورد مطالعه به خدمات و زیرساخت‌های شهری است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در رابطه با تمام مؤلفه‌ها، فراوانی‌های به دست آمده، نشان‌دهنده بیشترین پاسخ مربوط به دسترسی تا حدودی و دسترسی کم است. در رابطه با تمام مؤلفه‌ها، کمترین پاسخ مربوط به دسترسی خیلی زیاد است. در واقع بیشتر پاسخ دهندگان اذعان نموده‌اند که دسترسی کم و خیلی کمی به زیرساخت‌های شهری دارند. مطالعات میدانی در محدوده‌های اسلام‌آباد و قلعه حسن، نشان دهنده وجود کمترین اماکن رفاهی، ورزشی و مراکز خرید است به گونه‌ای که در محدوده مورد مطالعه، فقط یک مکان ورزشی سرپوشیده و یک بازار خرید

ماینحتاج روزانه وجود دارد و امکاناتی نظیر فضاهای سبز و اماکن تفریحی در حداقل خود است. همچنین نتایج، نشان دهنده کمترین خدمات مربوط به حمل و نقل عمومی در منطقه قلعه حسن است. از سوی دیگر، کمترین دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی در منطقه اسلام آباد نیز، حاصل شده است.

جدول ۳- بررسی میزان دسترسی حاشیه‌نشینان به خدمات و زیرساخت های شهری

ردیف	مؤلفه	ضریب معناداری** sig	ضریب Chi-Square	درجه آزادی
۱	دسترسی به مراکز خرید کالاهای اساسی	۰/۰۰۰	۱/۰۶	۴
۲	دسترسی به بانک‌ها و دیگر مراکز مالی	۰/۰۰۰	۸۸/۳۰	۴
۳	دسترسی به بوستان‌ها و مبلمان شهری	۰/۰۰۰	۹۷/۵۸	۴
۴	دسترسی به اماکن بهداشتی درمانی نظیر بیمارستان، درمانگاه	۰/۰۰۰	۸۶/۲۰	۴
۵	دسترسی به مراکز اداری و دولتی	۰/۰۰۰	۸۱/۲۰	۴
۶	دسترسی به تجهیزات شهری (نظیر پمپ بنزین و گاز	۰/۰۰۰	۷۸/۸۱	۴
۷	دسترسی به شبکه حمل و نقل عمومی	۰/۰۰۰	۹۳/۶۶	۴
۸	دسترسی به مکان‌های آموزشی و سایر مراکز وابسته	۰/۰۰۰	۸۷/۴۳	۴
۹	دسترسی به مراکز ورزشی، فرهنگی، مذهبی، هنری	۰/۰۰۰	۸۳/۳۷	۴

** معناداری ۹۹ درصد

در ادامه، برای بررسی میزان رضایتمندی ساکنان نواحی مورد مطالعه از خدمات ارائه شده از سوی شهرداری، از آزمون کای اسکور استفاده شده است. اطلاعات مندرج در جدول (۴)، نشان‌دهنده میزان رضایتمندی بسیار پایین ساکنان نواحی مورد مطالعه است؛ به‌گونه‌ای که ضریب معناداری در سطح ۹۹ درصد برای تمام مؤلفه‌ها حاصل شده است. یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی، نشان دهنده عدم طرح‌های زیباسازی و فضای سبز در منطقه افسران است؛ همچنین، جدول‌سازی و خیابان‌کشی در محدوده اسلام‌آباد، در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد که این امر یاری بیشتر سازمان‌های

مدیریت شهری را در این زمینه می‌طلبد؛ همچنین، دسترسی به سیستم فاضلاب و آب آشامیدنی در منطقه افسران، تلاش بیشتری را در این زمینه ضروری ساخته است. تفکیک و دفن بهداشتی زباله در منطقه قلعه حسن و اسلام‌آباد، در وضعیت مناسبی نیست که بهبود و ارتقای وضعیت بهداشتی مناطق مذکور، جز از طریق همکاری دستگاه‌های مسئول، اجرایی نخواهد شد؛ همچنین در این زمینه، آموزش شهروندان برای قرار دادن زباله‌های منزل خود در کیسه‌های سربسته، می‌تواند راهگشا باشد. طبق مطالعات میدانی انجام گرفته در مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه، ایستگاه آتش‌نشانی مجهز وجود ندارد و این در صورتی است که مناطق حاشیه‌نشین شهر گرگان به دلیل بافت و ساختار قدیمی و ساخت سقف برخی منازل این مناطق از چوب و مواد مشابه، مستعد احتراق هستند.

جدول ۴- بررسی میزان رضایتمندی ساکنان نواحی مورد مطالعه از خدمات شهرداری

ردیف	مؤلفه	ضریب معناداری** Chi-Square sig	ضریب آزادی درجه
۱	ایستگاه آتش‌نشانی	۰/۰۰۰	۴
۲	فضای سبز، بوستان و سالم‌سازی محیط زیست شهری	۰/۰۰۰	۴
۳	دفع بهداشتی زباله‌ها و فاضلاب‌ها	۰/۰۰۰	۴
۴	تفکیک زباله	۰/۰۰۰	۴
۵	دفن زباله در مکان مناسب	۰/۰۰۰	۴
۶	ایجاد سیل‌بند و جمع‌آوری سیلاب	۰/۰۰۰	۴
۷	نامگذاری خیابان‌ها و کوچه‌ها	۰/۰۰۰	۴
۸	درختکاری کنار معابر	۰/۰۰۰	۴
۹	جدول‌کشی معابر	۰/۰۰۰	۳
۱۰	توسعه شبکه حمل و نقل عمومی (تاکسی و اتوبوس)	۰/۰۰۰	۴
۱۱	مبلمان شهری	۰/۰۰۰	۴

** معناداری ۹۹ درصد

یکی دیگر از مواردی که موجب نارضایتی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین شده است، عدم دسترسی به حمل و نقل عمومی (تاکسی و اتوبوس) است؛ در واقع، ساکنان مناطق مذکور (که اغلب وضعیت اقتصادی نامناسبی دارند) برای دسترسی به حمل و نقل

عمومی، باید مسیر زیادی را طی نمایند که همین عامل موجب نارضایتی ساکنان مناطق مذکور شده است.

برای بررسی میزان اقدامات سازمان‌های مدیریت شهری و به خصوص شهرداری در زمینه توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین، از تعدادی مؤلفه استفاده شده است. اطلاعات مندرج در جدول (۵)، نشان‌دهنده میزان اقدامات شهرداری در زمینه توانمندی مناطق حاشیه‌نشین است. طبق اطلاعات مندرج در این جدول، رابطه معنادار در سطح ۹۹ درصد برای بیشتر مؤلفه‌ها حاصل شده است که فراوانی‌های به‌دست‌آمده در این رابطه، عدم اقدامات لازم از سوی شهرداری را نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که بیشتر پاسخ‌دهندگان، میزان اقدامات شهرداری را در سطح کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۵- بررسی میزان اقدامات شهرداری برای توانمندی نواحی حاشیه‌نشین

ردیف	مؤلفه	ضریب معناداری** sig	ضریب Chi-Square	درجه آزادی
۱	توجه به توسعه فضای سبز، پارک‌های محلی و عمومی	۰/۰۰۰	۸۸/۰۱	۴
۲	توجه به آسفالت خیابان‌ها و معابر	۰/۰۰۰	۸۵/۲۶	۴
۳	احداث مراکز فنی حرفه‌ای برای آموزش جوانان جویای کار	۰/۰۰۰	۸۵/۱۱	۴
۴	ارتقای سطح خدمات‌رسانی و کیفیت زندگی ساکنان محله	۰/۰۰۰	۹۱/۶۳	۴
۵	ارتقای سطح سواد از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی	۰/۰۰۰	۷۳/۴۴	۴
۶	شرکت دادن ساکنان محله به امور مربوط به اداره شهر	۰/۰۰۰	۱/۰۰	۴
۷	قانونمند نمودن اسکان از طریق اعطای سند و مجوز سکونت	۰/۰۰۰	۱/۰۱	۴
۸	تشکیل کارگروه‌هایی برای رسیدگی به امور محله	۰/۰۰۰	۱/۰۳	۴
۹	ایجاد بافت‌ها و مناطق برنامه‌ریزی شده در کنار مناطق فعلی	۰/۰۰۰	۸۴/۳۱	۴
۱۰	ساماندهی وضع اشتغال ساکنان محله	۰/۰۰۰	۸۰/۶۹	۴
۱۱	جلوگیری از ورود مهاجران تازه وارد تحت عناوینی نظیر کمربند سبز و ...	۰/۰۰۰	۱/۰۲	۴

** معناداری ۹۹ درصد

اطلاعات مندرج در جدول (۵) نشان می‌دهد که بیشتر اقداماتی که شهرداری برای توانمندی مناطق حاشیه‌نشین باید انجام دهد، در سطح کم و خیلی کم قرار دارد؛ در واقع، شهرداری به عنوان متولی امور شهری نتوانسته است زمینه‌های لازم برای توانمندی مناطق حاشیه‌نشین را فراهم نماید. زمینه‌هایی چون ارتقای سطح خدمات، ارتقای کیفیت زندگی ساکنان، سامان‌دهی وضع اشتغال، تشکیل کارگروه‌هایی برای رسیدگی به امور محله و در نهایت شرکت‌دادن حاشیه‌نشینان به امور مربوط به اداره شهر که نتوانسته است به وسیله شهرداری ایجاد شود.

۴- نتیجه‌گیری

گسترش فیزیکی نابسامان و بی‌رویه شهرها، یکی از مشکلات شهر و شهرنشینی جهان سوم در دوران معاصر است؛ به‌طوری‌که فرایندی مداوم، در محدوده‌های فیزیکی و فضاهای کالبدی شهر در جهات عمودی و افقی به لحاظ کمی و کیفی رشد می‌یابد و اگر این روند سریع و بی‌برنامه باشد به ترکیبی نامتناسب از فضاهای شهری مشکل‌زا خواهد انجامید؛ فضاهایی موسوم به مناطق حاشیه‌نشین. مفهوم حاشیه‌نشینی این است که مفهوم که خانوارها و افرادی که در محدوده شهرها از نظر سکونت، بهداشت، خدمات عمومی، اجتماعی و تسهیلات زیربنایی شهری در شرایط نامطلوب به سر می‌برند و به علت عدم سرمایه و مهارت فنی و ... نمی‌توانند جذب بازار رسمی اشتغال و فعالیت بشوند؛ اگرچه به نظر می‌رسد که مهاجرت، عامل اصلی شکل‌دهی و رشد مناطق حاشیه‌نشینی در شهرهاست؛ ولی واقعیت این است که بخشی از حاشیه‌نشینان، ساکنان همیشگی شهر هستند که به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیرمتعارف، غیراستاندارد و سکونت‌گاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. واحدهایی که بعضاً از حداقل امکانات و ملزومات بهداشتی و رفاهی محروم هستند.

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش شهرداری‌ها در توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهر گرگان با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و پیمایش میدانی انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، ساکنان مناطق اسلام آباد، قلعه حسن، کوی افسران و حد فاصل اوزینه و کاشانی هستند که ۱۷۶۸۸ نفر جمعیت دارند که با استفاده از

روش کوکران تعداد ۲۷۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. یافته‌های به‌دست آمده، نشان‌دهنده رابطه معنادار بین وضعیت اشتغال و وضعیت اقتصادی خانواده با حاشیه نشینی است. نتایج به‌دست آمده از آزمون کای اسکور، نشان می‌دهد که میزان دسترسی و متعاقب آن میزان رضایتمندی ساکنان نواحی مذکور در سطح پایینی قرار دارد. همچنین، باید اذعان نمود که از دید ساکنان نواحی حاشیه‌نشین، میزان اقدامات شهرداری برای توانمندی ساکنان نیز، در سطح پایینی قرار دارد.

پیشنهادها

- فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای دسترسی ساکنان منطقه قلعه‌حسن به حمل و نقل عمومی.
- توجه به وضعیت معابر و کوچه‌ها در منطقه اسلام‌آباد و قلعه‌حسن.
- توجه به وضع بهداشت در منطقه افسران.
- طرح زیباسازی معابر کوی افسران.
- تأسیس مرکز آتش‌نشانی در مناطق حاشیه‌نشین شهر.
- آموزش همگانی مناطق چهارگانه مورد مطالعه برای ارتقای سطح فرهنگی حاشیه‌نشینان.
- توجه به وضعیت آب آشامیدنی و سیستم آب و فاضلاب در منطقه افسران.
- احداث مراکز آموزش فنی حرفه‌ای برای آموزش جوانان جویای کار در منطقه قلعه حسن و کوی افسران.

فهرست منابع

۱. اسماعیلی، رضا. امیدی، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی تجربه حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه‌نشینان. نشریه مطالعات شهری، سال دوم.
۲. افشارنیا، اعظم. (۱۳۸۹). تأثیر فقر در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای بر سلامت شهری. اولین همایش ملی سلامت شهری، تهران.
۳. بیات، بهرام. (۱۳۸۴). بررسی پدیده حاشیه‌نشینی در استان تهران. فصلنامه تخصصی - کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره اول.
۴. ربانی، رسول. وارثی، حمیدرضا. طاهری، زهرا. (۱۳۸۸). تحلیلی بر علل اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در شهر اصفهان (منطقه ارزنان و دارک). مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳.
۵. رهنما، محمدرحیم. توانگر، معصومه. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی حاشیه‌نشینی در شهرهای سبزوار، نیشابور و تربت حیدریه. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۱، زمستان.
۶. زکی‌خانی، محمدصادق. (۱۳۹۲). پیامدهای توسعه نامتوازن: مطالعه موردی حاشیه‌نشینی در خط چهارم حصار شهر کرج. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۵.
۷. شکویی، حسین. (۱۳۸۴). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران: انتشارات سمت.
۸. صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی. مجله هفت شهر، شماره ۹ و ۱۰.
۹. عنابستانی، علی‌اکبر. عنابستانی، زهرا. (۱۳۸۹). راهبردهای کالبدی کنترل حاشیه‌نشینی در شهر سبزوار. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره اول.
۱۰. لادن، علیرضا. رزقی، هادی. (۱۳۸۸). دلایل حاشیه‌نشینی در کلانشهر تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری. سال اول، پیش شماره ۳.
۱۱. محسنی، رضاعلی. (۱۳۸۹). مسأله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با تأکید بر توانمندسازی آن. فصلنامه جغرافیای انسانی، سال ۲، شماره ۴.

۱۲. مهدوی، شهرام. نجفی کانی، علی اکبر. (۱۳۹۰). لزوم توانمندسازی مناطق حاشیه نشین و راهکارهای مدیریتی آن با استفاده از مدل تحلیلی SWOT. اولین همایش حاشیه نشینی نظم و امنیت.
۱۳. نقدی، اسداله. صادقی، رسول. (۱۳۸۵). حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری. با تاکید بر شهر همدان. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.
۱۴. نقدی، اسداله. زارع، صادق. (۱۳۹۱). حاشیه‌نشینی به مثابه آپاندیست شهری، مطالعه موردی: جعفرآباد کرمانشاه. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵.
۱۵. نقدی، اسداله. (۱۳۸۶). حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی همدان. چاپ چهارم، همدان: نشر فن آوران.
۱۶. هادیزاده، مریم. (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن. مشهد: شهرداری مشهد.
۱۷. هال، پیترو. اولریخ، فایز. (۱۳۸۸). آینده شهری قرن ۲۱. ترجمه اسماعیل صادقی، ناخید صفایی، تهران: جامعه مهندسان مشاور ایران.
18. Chowdhury, Farhat. Jahan., A.T.M. Nurul, Amin., (2006). **Environmental assessment in slum, improvement programs: Some evidence from a study on infrastructure projects in two Dhaka slums.** Environmental Impact Assessment Review.
19. Dwyer, D.C., (1978). **City in the third world.** London: Macmillan.
20. HABITAT, UN., (2009). **Annual report 2009 / United Nations Human Settlements Programme.**
21. Martinez, Javier., Gora, Mboupb., Richard, Sliuzasa., Alfred, Steina., (2008). **Trends in urban and slum indicators across developing world cities, 1990–2003.** Habitat International, Vol 32, pp. 86–108.
22. Shaw, Clifford R., McKay, Henry D., (2012). **The social disorganization theory.** Center for Spatially Integrated Social Science, Retrieved.
23. Wilson, A.G., (2010). **The general urban model: Retrospect.** Papers Regional Science Association.